

آیہ اللہ میرزا جواد آقا ملکی تبریزی



محمد تقی صرفی پور



آیه الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی

زندگی نامه و تحصیلات

میرزا جواد آقا ملکی تبریزی

عارف، حکیم، استاد اخلاق و فقیه بزرگ شیعه و اسلام فرزند میرزا شفیع در شهر تبریز متولد شد. تاریخ دقیق ولادت وی مشخص نیست، اما با توجه به کتابی در فقه که یکی از فضلاء معاصر به آن دست یافته است معلوم می شود که به سال 1312 هجری قمری ایشان در عنفوان جوانی بوده است. دلیل نامگذاری او به ملکی، نسبت فامیلی با خاندان ملک التجار تبریزی است. علوم صرف، نحو، معانی و بیان و دروس مقدماتی دیگر را در تبریز فرا گرفت و پس از مدتی سطح را به پایان رساند و برای ادامه تحصیل به نجف سفر کرد. وی در درس میرزا حسین نوری، حاج آقا رضا همدانی و آخوند خراسانی شرکت کرد اما مهم ترین استادش، حسینقلی همدانی بود که به سبب علاقه وافر به استادش نام فرزندش را حسینقلی گذاشت. ملکی تبریزی مدت ۱۴ سال همیشه همراه او [۱]. بود و ارادت ویژه‌ای به وی داشت

وی در ابتدای شاگردی ملاحسینقلی همدانی داستانی دارد به این شرح:

میرزا جواد آقا ملکی تبریزی می گوید

دو سال خدمت آخوند ملا حسین قلی همدانی بودم. روزی خدمت وی رسیدم و گفتم که من در مسیر خود به جایی نرسیدم. آقا از اسم و رسم من پرسید. تعجب کردم و گفتم آیا مرا نمی شناسید؟! من جواد ملکی تبریزی هستم

استاد می گوید: شما با فلان ملکی ها بستگی دارید؟ چون آنها را افراد شایسته ای نمی دانستم از آنان انتقاد کردم

آخوند فرمود: هر وقت توانستی کفش آن ها را که بد می دانی پیش پایشان جفت کنی، من خود سراغ

تو می آیم

آقا میرزا جواد فردا که به درس می رود خود را حاضر می کند که در محلی پایین تر از بقیه شاگردان بنشیند. رفته رفته طلبه هایی که از آن فامیل در نجف بودند و او آن ها را خوب نمی دانست. مورد محبت خود قرار می دهد، تا جایی که کفششان را پیش پای آن ها جفت می کند. چون این خبر به طایفه آن ها در تبریز می رسد، رفع کدورت می شود. بعدا آخوند ملا حسنقلی همدانی او را ملاقات نموده، می فرماید: دستور تازه ای نیست. تو باید حالت اصلاح شود تا از دستورات شرعی بهره مند شوی ضمنا یاد اوری می کند که کتاب مفتاح الفلاح شیخ بهایی، برای عمل کردن خوب است. این نکته اخلاقی را که استاد برایشان فرمودند. نه تنها خواستند ایشان معروف به میرزا جواد ملکی تبریزی بشند، بلکه خواستند کدورت و کینه و شکستن غرور خود و پیرو حق بودن را بفهماند. با یک حرکت که همان جفت کردن کفش ها بود توانست کل فامیل و نیز خودش را اصلاح کرده باشد.

منبع: شمع جمع / احمدنثاری

بازگشت به ایران

آیت الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی در سال 1321 قمری / 1270 شمسی به ایران بازگشت و به زادگاهش تبریز رفت.

در این سالها بود که واقعه مشروطه پدید آمد و ارتش روسیه بخشی از آذربایجان را اشغال کرد، مردم پناه آن خطه به خاک و خون کشیده شدند و شهر تبریز محاصره شدیدی

راهی غیر از ترک دیار باقی نماند. از این رو حاج میرزا جواد آقا به دور از چشم متجاوزان رو به سوی تهران گذارد و از آنجا به زیارت حضرت عبدالعظیم (س) شتافت. سپس به قم مهاجرت کرد و این شهر را وطن خویش قرار داد.

نگری و اندیشمندی بسیار نسبت ارمغان ارزشمند دوران تحصیل و تدریس حاج میرزا جواد آقا، ژرف به اوضاع جهان بود

نگریست. حکومت وی صاحب سیرتی سیاسی شده بود و همواره حوادث را با دیده بصیرت و بینش می شمرد. هیچ گاه روی دانست و صاحب منصبان را افرادی ناپاک و غاصب می‌زمان خود را مردود می کرد داد و با زبان دعا، ناخرسندی خویش را نسبت به اوضاع ابراز می‌خوش به آنان نشان نمی

کرد و شتافتند از قبول کارهای دولتی منصرف می‌افزادی که برای مشورت به حضورش می کرد سردمداران حکومت را همچون ستمگران بنی امیه و بنی عباس قلمداد می

تدریس

در سال 1329 ق و در ابتدای ورود به قم و پیش از ملاقات با شیخ عبدالکریم حائری و تأسیس حوزه علمیه قم، ملکی کتاب مفاتیح الشرایع فی الفقه را تدریس می‌کرد. دو مجلس اخلاق داشت، یکی در منزل برای خواص و دیگری در مدرسه فیضیه برای عموم که جمعی از بازاریان قم نیز در آن درس شرکت داشتند. نماز جماعت را در بالای سر حضرت و آیت الله بهاءالدینی از جمله افرادی بودند که در نماز معصومه (س) اقامه می‌کرد که امام خمینی [کردند ایشان شرکت می

برخی از حالات میرزا جواد آقا ملکی تبریزی

شمردند. آنان که با حالات ملکوتی و عبادی این فرزانه عارف آشنا بودند ایشان را از بگائون می عالمی که از خوف و شوق خداوند بسیار گریه می‌کرد و از بسیار گریه کنندگان عصر بود گرفت و در قنوت نمازهای نافله این بیت حافظ سه ماه رجب، شعبان و رمضان را پی در پی روزه می خواندرا مکرر می

ما را ز جام باده گلگون خراب کن / زان پیشتر که عالم فانی شود خراب

شب زنده‌داری میرزا جواد آقا ملکی

مرحوم حجة الاسلام سید محمود یزدی، که از شاگردان حاج میرزا جواد آقا بوده، در بیرونی منزل استاد می‌نشست. درباره نماز شب‌های آن عارف وارسته می‌گوید: شب‌ها که ایشان برای شب‌زنده‌داری و عبادت برمی‌خاست، مدتی در رختخواب به گریه از خوف خدا و اشک برای عشق به حق مشغول بود. گاهی به سجده می‌رفت و زمانی لب به دعا می‌گشود. آن‌گاه در صحن منزل رو به طرف آسمان می‌کرد و آیات مخصوص را تلاوت می‌فرمود:

«ان فی خلق السموات و الارض و اختلاف الیل و النهار... ربنا ما خلقت هذا باطلا...»⁽⁹⁾ اثر این آیات الهی آن‌چنان بود که او را از خود بی‌خود کرده، سر بر دیوار می‌گذاشت و لحظاتی گریه می‌کرد. آن‌گاه که برای گرفتن وضو آماده می‌شد، در کنار حوض نشسته، مدتی گریه می‌کرد و پس از وضو ساختن چون به مصالایش می‌رسید و مشغول تهجد می‌شد، حالش منقلب گشته، اشک بسیار می‌ریخت؛ به طوری که از گریه‌های طولانی در نمازها و مخصوصاً قنوت‌ها، بعضی ایشان را جزء «بکاین» عصر به شمار آورده‌اند.

نماز شب آقا میرزا ملکی تبریزی

فرشته با لفظ «آقا» به او خطاب می‌کرد و آن شخص با این سخن بیدار می‌شد و به نماز شب می‌ایستاد. ظاهراً شخصی که با صدای فرشته برای نماز شب در سحرگاهان از خواب برمی‌خاسته

به گزارش رهیافتگان (پایگاه جامع مبلغین و تازه مسلمانان) مرحوم ملکی، اهل عبادت و تهجد و از بکاؤون زمان خویش بود. سه ماه رجب، شعبان و رمضان را به طور متوالی روزه می‌گرفت. و در قنوت نمازهای نافله مکرراً این بیت را می‌خواند

زان پیش تر که عالم فانی شود خراب ما را از جام باده گلگون خراب کن

ایه الله ملکی می نویسد:

أقول: لا تكن كافراً بهذه الأخبار، واني أشهد الله أني أعرف من المتهجدین من كان يسمع من ...
يوقظه و يناديه وقت تهجده في أوائل أمره بلفظه آقا، فيقوم لورده؛
این روایات را بپذیر و انکار نکن، خدا را شاهد می گیرم که من از شب زنده داران کسی را ...
می شناسم - که در اوایل کارش - به هنگام سحر، صدای فرشته ای که او را بیدار می کرد می شنید.
فرشته با لفظ «آقا» به او خطاب می کرد و آن شخص با این سخن بیدار می شد و به نماز شب می ایستاد.
ظاهراً شخصی که با صدای فرشته برای نماز شب در سحرگاهان از خواب برمی خاسته، خود میرزا
جواد آقا است که برای پرهیز از توهم خودستایی، این حقیقت را بدین عبارت بیان کرده است. آری،
إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا “: کسانی که در راه وصول به محبوب استقامت دارند به مقتضای آیه شریفه
بر آنان نازل می شوند و ایشان یکی از آن افراد بود. او “اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَنْزِلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ
جز خدا و خواست او هوایی در سر نداشت و به چیز دیگری نمی اندیشید و زبان حالش خطاب به
خداوند سبحان چنین بود
گر بشکافند سرا پای من
جز تو نیابند در اعضای من^۱

اثر دعای شاگرد برای استاد

یکی از شاگردان میرزا جواد آقای ملکی نقل می کند که آقا روزی پس از پایان درس به حجره یکی از طلاب در مدرسه دارالشفا رفت، من هم در خدمتش بودم، به حجره طلبه وارد شد؛ پس از ادای مراسم احترام و اندکی جلوس برخاست و رفت، سبب پرسیدم؛ پاسخ داد: شب گذشته هنگام سحر فیوضاتی بر من افاضه شد که فهمیدم از ناحیه خودم نیست، چون توجه کردم دیدم این طلبه برای شب زنده داری برخاسته و در نماز شبش به من دعا می کند؛ فهمیدم این فیوضات بر اثر دعای اوست. (۱)

۱. مردان علم در میدان عمل، ج ۳، ص ۱۲۲

استادان آیت الله ملکی تبریزی

:مهمترین استادان مرحوم ملکی تبریزی عبارت بودند از

۱. آخوند ملا حسینی همدانی

آقامیرزا جواد درباره این استادش در کتاب اسرار الصلاة می نویسد: مرا شیخی بود جلیل القدر، عارف، عامل، کامل - قدس الله تربته - که کسی نظیر او در این مراتب را ندیدم حکیم عارف و معلم خبیر و طبیب کاملی بسان او ندیدم

۲. حاج آقا رضا همدانی

۳. آخوند خراسانی

۴. میرزا حسین نوری

شاگردان

- اسماعیل بن حسین تائب
- سید محمود مدرسی
- حسین فاطمی قمی

- سید محمود یزدی
- ملا علی همدانی
- محمود مجتهدی
- عباس تهرانی
- [3] [عبدالله شالچی] 2

مشهور است که امام خمینی نیز از شاگردان میرزا جواد ملکی تبریزی بوده است اما آیت الله خامنه‌ای از قول امام خمینی نقل می‌کند که تنها دو جلسه در درس ایشان شرکت کرده و از این که نتوانسته [4]. بیش از این در درس وی شرکت کند، افسوس خورده است

آثار علمی

- اسرار الصلاة: کتابی که حاوی هزار نکته از اسرار نماز است و برخی از اسرار طهارت و تفکر را گوشزد می‌کند و به معانی وسوسه و الهام می‌پردازد. با بحث از گناهان کبیره اشاره‌ای به توبه کرده و حضور قلب و حالات ملکوتی آدمی را توضیح می‌دهد
- المراقبات یا اعمال السنّه: در این اثر مقدمه‌ای کوتاه درباره دعا و راز و نیاز آمده است و اعمال علامه ماه‌های مختلف، آثار و برکات روحی و معنوی آنها توضیح داده شده است
- صاحب تفسیر المیزان، تقریظی بر این کتاب نوشته است طباطبایی
- رساله لقاء الله: کتابی است که در راستای راه تهذیب نوشته شده و معنای «لقاء الله» و آیات مربوط به آن را توضیح داده و راه موفقیت الهی را برای سالکان بیان می‌کند
- کتابی در فقه
- رساله در حج
- [6] [حاشیه فارسی بر غایه القصوى] 5

آیت الله ملکی تبریزی در کلام بزرگان

امام خمینی (س)

امام خمینی آن چنان به مرحوم ملکی تبریزی ارادت می‌ورزید که هنگام بازگشت از پاریس به ایران، در قم به قبرستان شیخان رفته و با کمال تواضع با تحت الحنک عمامه خویش - با آن که همیشه دستمال همراه داشت - غبار سنگ قبر استاد را زدود و به قرائت فاتحه و تلاوت قرآن پرداخت.

علامه طباطبایی

مرحوم علامه طباطبائی صاحب کتاب المیزان، بر کتاب المراقبات آیت الله ملکی تبریزی تقریظی نوشته‌اند که بخشی از آن چنین است

چند سطری درباره کتاب اعمال سال، تألیف پیشوای طایفه، حجت حق، آیت الله، مرحوم حاج ...»
میرزا جواد آقا ملکی تبریزی - قدس الله روحه - می‌نویسم نه با این هدف که این کتاب گرانسنگ یا مؤلف بزرگ آن را بستیم، زیرا این کتاب دریای لبریزی است که در سنگ و پیمانه ننگند و مؤلف آن پیشوای والا مقامی است که بلندای زیاد شخصیت او با هیچ مقیاسی قابل اندازه‌گیری نیست، و ناتوانی، عذری موجّه، و یأس از رسیدن به مقصد، برای استراحت کافی است، بلکه با هدف تذکر به ...برادران و دوستان و سروران صادق و با صفا که تذکر برای مؤمنین سودمند است

کتابی که پیش رو دارید از بهترین کتابهایی می‌باشد که در این زمینه نگارش یافته است. در این کتاب لطایفی که اهل ولایت خدا از آن مراقبت نموده و نکات ظریفی که در دل سرگشتگان محبت خدا خطوط نموده و تمام مطالبی که مریبان درباره عبادت خدا فهمیده‌اند، وجود دارد. خداوند مرقد مؤلف بزرگ آن را نورانی، از بارانهای رحمت و بخشش خود بر آن سیراب و او را به پیامبر و آل پاک او «ملحق نماید

مقام معظم رهبری

ایشان می‌فرماید: «ما قله‌های تهذیب داریم. در همین قم، مرحوم حاج میرزا جواد آقای ملکی، مرحوم علامه طباطبائی، مرحوم آقای بهجت، مرحوم آقای بهاء‌الدینی (رضوان الله تعالی علیهم) قله‌های تهذیب در حوزه بودند. رفتار اینها، شناخت زندگی اینها، حرفهای اینها، خودش یکی از شفاف‌بخش‌ترین چیزهایی است که می‌تواند انسان را آرام کند؛ به انسان آرامش بدهد، روشنایی بدهد،

دلها را نورانی کند. در نجف بزرگانی بودند؛ سلسله شاگردان مرحوم آخوند ملاحسینقلی تا مرحوم «آقای قاضی و دیگران و دیگران؛ اینها برجستگانند

در جای دیگر می‌فرماید: «... میرزا جواد آقای تبریزی معروف - که از بزرگان اولیا و عرفا و مردان ... صاحب دل زمان خودش بوده است

علامه حسن زاده آملی

عارف الهی، سالک مستقیم، محقق ربانی، فقیه صمدانی، و مربی نفوس آیت الله حاج شیخ میرزا جواد آقای ملکی تبریزی (رضوان الله تعالی علیه) از اعظم علمای الهی عصر اخیر، و به حق از علمای فقه و اصول و اخلاق و حکمت و عرفان بوده است

آیت الله شهید مرتضی مطهری

استاد شهید می‌گوید: مرحوم حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی از بزرگان اهل معرفت زمان ما - که پنجاه و دو سال پیش از دنیا رفته است و قبر او در قم است و من هر وقت به قم مشرف می‌شوم آرزو دارم قبر این مرد بزرگ را زیارت کنم - در یکی از نوشته‌هایشان درباره استاد بزرگوارشان مرحوم آخوند ملا حسینقلی همدانی که از اعاجیب اهل معنا بوده می‌نویسد که یک آقای آمد پیش مرحوم آخوند و مرحوم آخوند او را توبه داد. چهل و هشت ساعت بعد وقتی آمد، ما او را نشناختیم. آنچنان از نظر چهره و قیافه عوض شده بود که ما باور نمی‌کردیم که این همان آدم 48 ساعت پیش است

آیت الله حاج سید حسین فاطمی

وار قدم شد در صحن خانه دیوانه‌وی می‌گوید: «او خودش دستور العمل اخلاقی بود. شب که می‌زد و مترنم بود که می‌

گر بشکافند سراپای من / جز تو نیابند در اعضای من

«آخرین حرفش در بیماریش این بود که گفت «الله اکبر» و جان تسلیم کرد

شیخ محمد رازی

وی می گوید: ایشان ماههای رجب و شعبان را روزه بودند و در مدرسه فیضیه درس اخلاق عمومی گذرد، در و دیوار مدرس و فضای مدرسه، گفتند. اکنون که سی سال از رحلت آن عالم ربّانی می می گوید: «اللهم رساند که می های شوق و سوزان او را به گوش هوش می صدای حزین و گریان و ناله». «ارزقنا التجافی عن دار الغرور و الانابه الی دارالخلود والاستعداد للموت قبل الفوت

ارتباط وی با حضرت بقیه الله ارواحنا له الفداء بسیار و ملازمتش به تقوا و ورع فراوان بود. مراقبتی رفت ای از یاد خداوند بیرون نمی بسیار به نوافل و حضور و توجه دائمی فراوان داشت و لحظه

حاج میرزا عبدالله شالچی

وی می گوید: «مرحوم استاد، آیت الله ملک، اجتهاد فکری و درونی داشت. در برداشتهای درونی دادند که بسیار مؤثر بود و قوی بود. ایشان دستورهایی در خوردن، خوابیدن و اعمال و رفتار ارائه می نمود شخصی را پاک و پیراسته کرده، به سوی الله رهنمون می

الان نیز مرقد ایشان - در قبرستان شیخان قم - محل حوائج است. من هر وقت حاجتی داشته باشم ... «روم بر سر قبر ایشان می

صبر جمیل و عظیم در وفات فرزند

ایه الله ملک هر سال غدیر جشن می گرفتند. سالی در عید غدیر جشن گرفته و مردم به منزل ایشان می آمدند ناگاه خبر رحلت فرزند طلبه اش را می شنود. ایشان فرمودند چون ما هر سال عید غدیر جشن می گیریم امسال حضرت امیر به ما عیدی دادند

«».

چله نشینی و ورود به عالم مثال

جناب حجت الاسلام والمسلمین انصاری از دوستان آیت الله انصاری نقل می کردند که: حضرت آیت الله حاج شیخ هادی تآلهی جولانی همدانی از زهاد معروف که آیت الله انصاری در مورد ایشان

می فرمود

« .نماز خواندن پشت سر ایشان لیاقت می خواهد »

برایم نقل می کردند که آیت الله انصاری را در بین روز ملاقات کردم و به من فرمودند

« .آقای تالهی، از قم یک سوغات با ارزش آورده ام بیا منزل و آن را ببین »

آقای تالهی می گوید به آقا گفتم: اگر بگویم من می آیم، ممکن است به شما زحمت دهم و اگر بگویم شما بیایید می ترسم از روی تکبر باشد، هر چه که شما امر بفرمایید. آقا فرمودند: شما تشریف بیاورید من فکر کردم سوغات از قبیل خوراکیهای متعارف است، وقتی شب خدمتشان رسیدم، بلند شدند و از تاقچه کتاب کوچکی آوردند که رساله لقاءالله مرحوم آیت الله میرزا جواد ملکی تبریزی (رحمه الله) بود و فرمود

این سوغاتی است که از قم آورده ام، و او گاهی از آن می خواند و من گریه می کردم و گاهی من می خواندم و او گریه می کرد

.جناب آیت الله تالهی می فرمود: من و آقای انصاری یک روح بودیم در دو بدن

:آیت الله ممدوحی که یکی از مدرسان حوزه علمیه قم می باشد نقل می کردند که

از یکی از شاگردان آیت الله انصاری شنیدم که آقای انصاری با خواندن و عمل به کتاب « رساله لقاء الله » در ظرف چهل روز وارد عالم مثال شدند

تاثیر نفس آیت الله ملکی تبریزی

استاد فاطمی نیا: در مورد جمال السالکین، آیت الله آقا میرزا جواد آقای تبریزی می نویسند که وقتی در مجلسی می نشست می فرمود: ای مردم! یکی از نام های خدا «غفار» است! همین را که می گفت، !چند نفر غش می کردند و آنان را از مجلس بیرون می بردند

آیت الله شیخ علی پناه اشتهاوردی هم فرمودند: میرزا جواد آقا تبریزی در مدرسه فیضیه درس اخلاق داشت و آن چنان تأثیر آتشین بر دل ها می گذاشت که در درسش از اثر صحبت ایشان، غش می کردند و بی هوش می شدند

روزی به میرزا جواد آقا عرض کردند که تأثیر صحبت شما چنان است که یکی از تجار در این جلسه
!حضور داشته بی هوش بر زمین افتاده است

فرموده بودند: این که چیزی نیست مولایشان امیرالمؤمنین همیشه از خوف خدا چنین حالتی بهش
!دست می داد

خبر از وفات خود / خواب های متعدد درباره وفات آیت الله ملکی تبریزی

استاد فاطمی نیا: ... اینها حیف است، اینها سینه به سینه است، اگر ناقلش مثل من بیفتد و بمیرد دیگر
!کسی پیدا نمی شود بگوید، هی منتظر شوی که رادیو خواهد گفت، یا تلویزیون. دیگر تمام شد
آقا شیخ محمد حسین بهاری خودش به من فرمود که آقا میرزا جواد آقا تبریزی - رضوان الله علیه - ...
روی منبر نشسته بود و من پای درس ایشان بودم

شیخ محمد حسین تا سه چهار سال پیش زنده بود خیلی مرد بزرگی بود منتهی دیگر چون آسم
...شدیدی داشت آن هم در یک گوشه شهرستان! ایشان مجهول القدر مانده بود

ایشان می فرمود جوان بودم میرزا جواد آقا روی منبر درس می گفت، می گوید یک دفعه دیدم این دو
!چشم های نورانی را متوجه ما کرد گفت: اهل کجایی؟ - من خلاصه عرض می کنم - گفتم: اهل بهار
!تا گفتم اهل بهار، به پُری صورتش اشک ریخت

سپس گفت: شیخ محمد بهاری (آیت الله شیخ محمد بهاری از شاگردان آخوند ملا حسینقلی
همدانی)، قبرش زیارتگاه شده یا نه؟

بعد گفت: ان شاء الله من در پنجشنبه هفته آینده مهمان ایشان هستم! - یا گفت: به او ملحق می شوم -
!این حرفی که می زد مثل اینکه پنجشنبه بوده می فرمود: پنجشنبه آینده

یک شاگردی داشت آن شاگرد بی قرار شد، گریه کرد، آمد خودش دست به ضریح حضرت
معصومه علیها السلام شد

گفتیم: چه خبر است؟

گفت: والله! من این آقا را می شناسم اینکه گفت: من پنجشنبه آینده مهمان شیخ ... هستم، دیگر تمام شد!

گفتیم: حالا امام نیست، پیامبر نیست که حرفش را این قدر زود باور می کنید. حالا که آقا میرزا جواد آقا سر حال است

به هر حال، گفت: پنجشنبه آینده جنازه آقا میرزا جواد آقا تبریزی تشییع شد

مهم این است که ایشان می گفت: طلبه های دارالشفاء، فیضیه و جاهای دیگر، - ببینید اینها مهم است، قریب به دویست و پنجاه طلبه، قریب به دویست و پنجاه طلبه! - از حوزه علمیه خواب دیده بودند خواب دیدیم! یک الف این خواب ها با هم :صبح که پا شده بودند برای نماز، به همدیگر می گفتند! فرقی نداشت. خیلی حرف است! 250 نفر خواب ببینند یک الف هم با هم فرق نداشته باشد

خلاصه؛ که در شب پنجشنبه خواب دیده بودند که جنازه آقا میرزا جواد آقا تبریزی روی تابوت حرکت می کند، حضرت سید انبیاء صلی الله علیه و آله و سلم جلوی جنازه حرکت می کند

در نماز رحلت یافت

سرانجام خورشید عرفان و مناجات، روز یازدهم ذی حجه سال 1343 قمری از دنیا رفت و به لقای محبوبش رسید

چگونگی حضور آن عارف فرهیخته را در ملکوت از زبان فرزانه وارسته، حاج آقا حسین فاطمی :شویم آگاه می

.روز پنجشنبه، عید قربان بود. صبح، مسجد جمکران رفتم و قبل از ظهر به منزل برگشتم

اند. چون از کسالت وی چون وارد شدم خبر دادند که حاج میرزا جواد آقا جویای احوال شما شده اطلاع داشتم بدون هیچ معطلی به خدمتشان رفتم

ایشان به حمام رفته، خضاب بسته و پاک و مطهر در بستر نشسته بودند. در ظاهر منتظر اذان بودند اما انتظار بیش از این مقدار بود. چون ظهر فرا رسید در بستر شروع به اذان و اقامه کردند. با گفتن هر آمدتری سراغ او می‌ای بهجت بیشتر و آرامش فراوان جمله

پس از اذان، دعای تکبیرات افتتاحیه را ترنم کردند. سپس دو دست را بالا برده تا تکبیرة الاحرام بگویند که گویی درهای آسمان برای ورود او گشوده شد لبهایش حرکت کرد و دستها به لرزش «افتاد و با آخرین کلام اولین دیدار حاصل شد؛ «الله اکبر

مرغ روحش از بدن پاکش به سوی عالم قدس پرواز کرد و به سوی یار و محبوب دیرینه خویش پر کشید.

مردمان وارسته و رادمردان عرصه تهذیب و اخلاص، پیکر معطر وی را تشییعی باشکوه کردند و در جوار حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام در قبرستان شیخان به خاک سپردند

اینک دهها سال است که مرقد آن عارف فرزانه، و مرد ملکوتی در قبرستان شیخان قم، محل ... زیارت مشتاقان معارف الهی است

لوح قبر

بر روی تربت شریفش که مزار خواص اهل دل است، سنگی سرتاسری مفروش است و بر آن چنین منقوش است:

قد ارتحل عن دار الغرور إلى دار السرور، و عن بيت الظلمة و الدثور إلى البيت المعمور و عالم النور، طود العلم و التقى و معدن الحلم و السخاء من هو فی مضمار «موتوا قبل أن تموتوا» بلغ غاية السباق، و فی ائتمار و استبقوا الخیرات وصل الى حد الاستباق، و تد الأوتاد و العماد الضاد، ربیع الزمان و اویس الیمان، مصداق ما قاله ابو الأئمة والد السبطين: «لو لا الآجال التي كتب الله لهم لم تستقر ارواحهم فی» «أبدانهم طرفه عین

حلال المشکلات ببنان البیان، کشف المعضلات بنور البرهان، عقت الدهور عن عدیله، و العصور عن بدیله، فخر العلماء الراسخین و ذخر الفقهاء الشامخین، ابو الفضائل الجمه الذى بموته ثلم فى الاسلام ثلمه، مقتدى الأنام، حجة الاسلام و المسلمین مولی العالمین: الحاج میرزا جواد آقا التبریزی (اعلی الله :تعالی شأنه و رفع فى الخلد مكانه) فالیق به أن أقول فى تاریخ هذا الرزء العظیم و الخطب الجسیم .«و رفع العلم و ذهب الحلم». و بالفارسیه: «از جهان جان رفت و از ملّت پناه».

.و هو المطابق لیلة الجمعة الحادیة عشر من شهر ذی الحجة من شهور سنة ۱۳۴۳

چشم برزخی علامه حسن زاده آملی و رویت روح میرزا جواد اقا ملکی تبریزی

علامه حسن زاده آملی: تامدتها فکرمی کردم قبر مرحوم حاج میرزا جواد آقای ملکی در نجف اشرف است ، تا این که در شبی از نیمه دوم رجب هزار و سیصد و هشتاد و هشت هجری قمری در حدود سه ساعت از شب رفته ، با جناب آیه الله آقا سید حسین قاضی طباطبایی تبریزی برادرزاده مرحوم آقای حاج سید علی آقای قاضی ، در کنار خیابان ملاقات اتفاق افتاد. با جناب ایشان در اثنای راه از مرحوم حاج میرزا جواد آقای ملکی سخن به میان آوردم و سؤال از تربشان کردم ، فرمودند: قبر ایشان همین .شیخان قم نزدیکی قبر مرحوم میرزای قمی صاحب قوانین است و لوح قبر دارد

من به محض شنیدن این که لوح قبر دارد از ایشان پرسیدم که در کدام سمت قبر میرزای قمی و چون با جناب آقای آسید حسین قاضی خداحافظی کردم شتابان به سوی شیخان قم رفتم که مبادا در را ببندند، رفتم به شیخان و بسیاری از الواح قبر را نگاه کردم که بعضی را تا حدی تشخیص دادم و بعضی را چون شب بود و برق های آن جا هم ضعیف بود تشخیص دادن بسیار دشوار بود؛ با خود گفتم حالا که شب است و تاریک است باشد تا فردا، آیساً داشتم از شیخان به در می آمدم ولی آهسته آهسته که باز هم نظرم به الواح قبور بود که دیدم شخصی ناشناس از درب شرقی شیخان وارد قبرستان شده است و مستقیم به سوی من می آید تا به من رسیده گفت : آقا قبر میرزا جواد آقای

ملکی را می خواهید؟ و مرا در کنار قبر آن مرحوم برد و از من جدا شد و به سرعت به سوی درب غربی شیخان رهسپار شد که از قبرستان به در رود، من بی اختیار تکانی خوردم و مضطرب شدم و **آقا من که قبر ایشان را می خواستم اما شما از کجا :** ایشان را بدین عبارت صدا زدم گفتم **می دانستید؟**

آن شخص در همان حال که به سرعت به سوی درب غربی شیخان می رفت، صورت خود را برگردانید و نیم رخ به سوی من نموده گفت

: ما مشتری های خود را می شناسیم ۲

امام خمینی در خصوص استاد خود می گوید: در قبرستان شیخان قم یک مرد خوابیده است و او حاج میرزا جواد آقای تبریزی است. بوی آدمیت از مزار او به آسمان پیچیده است.

.

.

پانویس

1. مجله پیام حوزه، شماره ۱۰ و ۱۱. به نقل از پایگاه خبری حوزه
2. گلشن ابرار، 1385 ش؛ ج 2، ص ۵۱۶
3. پژوهشکده باقرالعلوم (ع)
4. بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی حکمت اسلامی، «تارنمای دفتر حفظ و نشر آثار حضرت»
5. گلشن ابرار، ۱۳۸۵ ش، ج ۲، ص ۵۱۶ و ۵۱۷
6. سایت اندیشه قم

منابع

- بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی حکمت اسلامی، «تارنمای دفتر حفظ و نشر آثار حضرت»
آیت الله العظمی خامنه‌ای؛ تاریخ درج مطلب: ۲۳ بهمن ۱۳۹۱، تاریخ بازدید: ۲۲ مرداد ۱۳۹۸
- جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، گلشن ابرار، قم، ۱۳۸۵ ش
- مجله پیام حوزه، شماره ۱۰ و ۱۱. به نقل از پایگاه خبری حوزه
- سایت اندیشه قم
- سایت شخصیت نگار
- خبرگزاری فارس